

## سخن سردبیر

مباحث نظری "گفت‌وگو" با نام هابرماس و متفکرین نسل دوم مکتب فرانکفورت گره خورده است. این دسته از صاحب نظران متأثر از دیدگاه دیلتای و ریکرت، قائل به تفکیک علوم انسانی از علوم طبیعی بوده و معتقدند روش علوم انسانی با علوم دیگر متفاوت است و اصولاً عقل ابزاری در حیطه علوم انسانی کارایی چندانی ندارد و رهیافت شیء‌انگارانه علوم اثباتی قادر به تحلیل مسائل انسانی نمی‌باشد. روابط انسانی از جنس کنش ارتباطی است و بنابراین حقیقت در این حوزه باید ساخته و پرداخته شود، اما حقیقت در علوم انسانی بوجود نمی‌آید، مگر از طریق تفاهم بین‌الذهانی و تفاهم بین‌الذهانی حاصل نمی‌گردد، مگر به کمک ابزاری به نام گفت‌وگو.

همچنین، زبان‌شناسی مخصوصاً شاخه جدید آن یعنی گفتمان‌شناسی<sup>۱</sup> که شاخه‌های مختلف زبان‌شناسی را در دهه اخیر تحت تأثیر قرار داده است، اصول حاکم بر گفت‌وگو را از بُعد نظری مورد مذاقه قرار داده و ایده‌های نسل دوم مکتب فرانکفورت را پی‌گیری نموده است. اصولی که گفت‌وگوگران خود را ملزم به رعایت آن می‌دانند، بامطالعات گرایس<sup>۲</sup>، براون<sup>۳</sup>، لوینسون<sup>۴</sup> و لیچ<sup>۵</sup> مراحل از کمال را پشت سر گذاشته است. این اصول چهارگانه - کمیت، کیفیت، ربط و روش - که با "تزاکت" تکمیل شده، ابزار نسبتاً خوبی را در اختیار زبان‌شناسان قرار داده تا به کمک آن مباحث نظری را عملیاتی ساخته و حوزه ادبیات را واکاوی علمی نمایند.

---

1- Discourse Analysis

2- Grice

3- Brown

4- Levinson

5- Leech

از سوی دیگر، توجه به شرایط اجتماعی گفت‌وگو، یکی دیگر از دغدغه‌هایی بوده است که متفکرین این حوزه را به خود مشغول نموده است؛ به‌طوری که از «باختین» تا «هایدگر» و از «دریدا» تا «فوکو» همگی متفق‌اند که شرایط اجتماعی گفت‌وگو ربط وثیقی با نظام سیاسی حاکم دارد. به تعبیر باختین، در جامعه بسته، ادبیات، طنز، خنده و کارناوال اجازه تولد نمی‌یابد و شاید این جمله میلان کوندرای که «یک‌سونگری همسایه دیوار به دیوار خود کامگی است» تأیید اندیشه باختین باشد.

به‌علاوه، اگرچه تئاتر و نمایشنامه نمونه خوبی از فضای گفت‌وگو می‌باشند، ولی با توجه به اینکه شعر یکی از شاخصه‌های فرهنگ و ادبیات جهان و خصوصاً ایران است، واکاوی مناظره یا گفت‌وگو در اشعار بزرگان ادب پارسی، زمینه‌ای است که می‌توان با کمک علم گفتمان‌شناسی به آن نائل آمد. مناظره و گفت‌وگو هم در ادبیات کلاسیک ایران و هم در ادبیات معاصر بکار گرفته شده است. شاید بتوان «درخت آسوری» را که در آن بز با نخل به مناظره می‌پردازد، اولین نمونه از این سبک در ادبیات قبل از اسلام دانست. بعدها بزرگان ادب پارسی از اسدی توسی تا ناصر خسرو و از مولانا تا سعدی و حافظ هر کدام به نوعی در آثار خود مناظراتی را عرضه کرده‌اند.

در ادبیات منثور نیز نمونه‌هایی از این مناظره و گفت‌وگوها وجود دارد به طوری که تعزیه را می‌توان نمونه‌ای سنتی از این نوع گفت‌وگو محسوب داشت که در آن تعزیه‌خوانان رابطه ظالم و مظلوم را در واقعه عاشورا به تصویر می‌کشند. در عصر حاضر نیز دو تن از بزرگان ادب پارسی، پروین اعتصامی و محمدرضا شفیعی کدکنی نمونه‌های برجسته‌ای از ادبیات منظوم گفت‌وگو را به نمایش گذارده‌اند.

در دومین ویژه‌نامه گفت‌وگو، با توجه به موارد مذکور، مرور اندیشه‌های اصحاب قلم را در حوزه‌های نظری و عملی و ادبیات منظوم و منثور ایران پی می‌گیریم.